

روزنامه شترق

سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۴۰۰ • ۴ ذی‌القعدة ۱۴۴۲ • ۱۵ ژوئن ۲۰۲۱
سال هجدهم • شماره ۴۰۲۶ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۵ • اذان مغرب ۲۰:۴۳
اذان صبح فردا ۴:۰۱ • طلوع آفتاب ۵:۴۸

www.sharghdaily.ir
fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فروا



خبر

نجات از سر نوشت «پدر زیتو»
یورونیوز: یک صیاد آمریکایی می‌گوید روز جمعه ۳۰ تا ۴۰ تانیه در داخل دهان یک نهنگ گوزپشت بوده، اما در نهایت این جانور عظیم‌الجثه به‌جای قورت‌دادن او ترجیح داده او را تف‌کند. مایکل پاکارد، مرد آمریکایی که از راه شکار شاه‌میگو در ایالت ماساچوست زندگی می‌کند، این حادثه را در صفحه فیس‌بوک خود روایت کرده است. دانشمندی که روی زندگی نهنگ‌های گوزپشت تحقیق می‌کند، روایت مایکل پاکارد را «باورکردنی» و «معتر» دانسته‌اند. بنا بر گزارش‌ها، او روز جمعه پس از این حادثه مدت کوتاهی در بیمارستان بستری شد. این صیاد اهل «پراوینس تاون» در شرق شهر بوستون، در صفحه فیس‌بوک خود نوشت: «برای جست‌وجوی شاه‌میگو به داخل آب [اقیانوس] رفته بودم و ناگهان یک نهنگ گوزپشت تلاش کرد من را بلبلد. مدت ۳۰ تا ۴۰ ثانیه را در دهانش که بسته بود، سبری کردم. در نهایت او بار دیگر به سطح آب رفت و من را تف کرد. همه جای بدنم کیود شده است، اما شکستگی استخوان ندارم. از امدادگران پراوینس‌تاون برای کمک و رسیدگی پزشکی سپاسگزارم». مردی که مایکل پاکارد را در جریان شکار

یادداشت

سلامت سیاست را هدایت می‌کند

زهرا نژادبهرام
عضو شورای شهر تهران

بعید می‌دانم لازم باشد اشاره کنیم که مسئله بحران کووید۱۹ در جوامعی که با واکسناسیون ایمنی آن تضمین نشده است، همچنان مسئله اول و حیاتی است. در صد سال گذشته و بعد از همه‌گیری آنفلوآنزای اسپانیایی این بزرگ‌ترین بحران بهداشتی است که همه دنیا را در بر گرفته است. گذشت بیش از یک سال از این همه‌گیری و رفتارهای متناقض و متفاوت سیاستمداران در قبال این بیماری هم تاکنون درس‌های زیادی به ما داده است. با وجود اینکه این روزها با توسعه فضای مجازی می‌توان بسیاری از کارها و رویدادها را در این فضا ساماندهی کرد، اما رویکرد سنتی بسیاری از سیاستمداران و انجام جمععات و دیدارهای حضوری نشان از بی‌توجهی آنان به اهمیت همه‌گیری کرونا و خطرات منفی آن برای جامعه دارد. چنان‌که دیدیم در سرتاسر دنیا هم بسیاری از سیاستمداران در ابتدای این همه‌گیری مقابله‌جویانه به مصاف این بیماری رفتند اما در ادامه و با ابتلای بخش زیادی از آنها به این بیماری، آن را پذیرفتند. می‌دانیم که شیوه رفتاری مقامات و سیاستمداران قابل تسری به مردم است. هر چقدر که مسئولان سیاسی نسبت به کووید۱۹ حساسیت بیشتری نشان می‌دادند، میزان ابتلای شهروندان آن کشور هم به این بیماری کمتر بود و طبیعتا خسارت‌های ناشی از این بیماری هم کاهش درخور توجهی داشت. مثال معروف این ماجرا آمریکای دوران ترامپ است. رویکرد سهل‌گیرانه ترامپ نسبت به این بیماری و رفتارهای تمسخرآمیز او در مواجهه با آن و توصیه‌های غیرعلمی‌اش موجب شده بود که آمریکا تا مدت‌ها در صدر کشورهایی باشد که بیشترین آمار مرگ‌ومیر را از کووید۱۹ ثبت کرده بود؛ به‌گونه‌ای‌که تا قبل از روی کارآمدن آقای بایدن آمریکا در صدر جدول کشورهای بود که بیشترین موارد ابتلا و مرگ‌ومیر را ثبت کرده بود. این مسئله نشان می‌دهد که بسیاری از سیاستمداران مسئله کووید۱۹ را آن‌چنان‌که باید و شاید جدی نگرفته‌اند و برخوردشان با آن در شمار رفتارهایی است که با مسائل اقلیمی یا حوادث غیرمترقبه مثل سیل و زلزله انجام می‌دهند. این بی‌توجهی سیاستمداران دو اثر را بر جوامع تحت

از نظر من همانند انتخابات آمریکا، در ایران هم میزان حساسیت یک کاندیدا به مسئله کووید۱۹ می‌تواند در اقبال عمومی به او مؤثر باشد. اگر در گذشته مسائل بهداشتی و درمانی تا این حد در محبوبیت سیاسی یک چهره تعیین‌کننده نبودند، به نظرم این روزها این مسئله در جامعه‌ای چون ایران تعیین‌کننده است. به نظر می‌رسد عواملی که می‌تواند در موفقیت یک چهره سیاسی در نظام‌های انتخابی تأثیرگذار باشد از مرز تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی عبور کرده و به حوزه مسائل بهداشتی و سلامت رسیده است. نباید فراموش کنیم که یکی از مهم‌ترین عوامل پیروزی و محبوبیت باراک اوباما در آمریکا طرح «اوباما کر» بود که مشخصا مسئله بهداشت و درمان شهروندان آمریکایی را هدف قرار داده بود. ظاهرا در عرصه سیاست به نظر می‌رسد مسائل بهداشتی و سلامت امروز سیاست را تعیین می‌کنند. امروز سلامت سیاست را هدایت می‌کند.

تحلیل

خدمتگزارانِ ناکام از قدرت

به فضای سیاسی و اداری کشور بازگشت و این‌بار با همان خطمشن قبلی اما با حضور عمومی مردم، حیات خود را در فضایی انقلابی آغاز کرد. دوستان، هم‌سنگران و مبارزان داخل و خارج متحد با هم که خود را خوش‌عاقبت و سعادتمند و پیروز میدان جهاد با مخالفان دانسته و خود را مشتاق خدمت و مجری احکام شریعت و قانون اساسی معرفی کردند، برای اولین رئیس‌جمهورشدن با یکدیگر رقابت کرده و به علت عدم تفاهم بخشی از نیروهای انقلابی بسا اولین منتخب مردم، کار به جایی رسید که به گمان‌شان علانم تکرار تاریخ مشروطه به چشم خورده و نیروهای غیرهم‌سو را متجددان شسرقرزده و غرب‌زده‌ای خواندند که باوجود تضادهای خودشان با هم در بیرون‌راندن اسلام از انقلاب همدست شده‌اند و با این تئوری و اشکال‌تراشی بالاخره توانستند با توجیه اسلام فقهاتی که چون این فقه را قبول ندارند و راهی در حکومت اسلامی جز با اجرای همین فقه، دیده‌نشدنی است، آن را زمینه‌ای برای شکل‌گیری یک جمهوریت تعریف‌شده، شبیه همان دولت‌مداری پیشامشروطه قرار دادند. البته ابراز نظرهایی بی‌ش و پس از عزل اولین رئیس‌جمهور صورت گرفت ولی نمی‌توان هیجان‌های حاکم بر آن روزها را در چنین تصمیمی سهیم کرد، چراکه بسیاری از بازماندگان آن حادثه به باور قلبی‌شان، تصمیم‌گیرنده اصلی نبودند و بودند تصمیم‌گیرندگانگی که تا این‌ زمان ناشناخته باقی ماندند.

زنان

زنان پیشرو همچنان قربانی ترور در افغانستان

رخ داد که دلیل آن انفجار مین در دو خودروی مسافربری بود. در این دو انفجار هفت نفر از جمله فاطمه و طیبه کشته و شش نفر زخمی شدند. همچنین مشخص شد که سیدمرتضی سادات، از فعالان مدنی افغانستان نیز در میان جان‌باختگان این رویدادها بوده است. او در رشته علوم سیاسی تا مقطع کارشناسی ارشد تحصیل کرده و به‌تازگی استاد یکی از دانشگاه‌ها شده بود. سیدمرتضی سادات همچنین رئیس «سازمان جوانان سادات افغانستان» نیز بود. برخی از مقام‌ها و چهره‌های فعال درباره مرگ آقای سادات نوشته و آن را «درنگ» خوانده‌اند. شاه حسین مرتضوی، مشاور رئیس‌جمهوری افغانستان نیز در صفحه

دغدغه‌های طبییانه

بار سنگین بی‌تفاوتی؛ لزوم درمانی طبیعیانه



✎ **عبدالرضا ناصر مقدسی**
متخصص مغز و اعصاب

● مدتی است احساس می‌کنم همه چیز عادی شده است. اینکه کرونایی در سطح جامعه باشد و آزادانه در میان همه حرکت کند و هرکس را که دلش خواست مبتلاکند و بعد تعدادی از این مبتلایان بیابند در بیمارستان بستری شوند و تعدادی از آنها هم در نهایت متأسفانه فوت کنند، کاملا عادی شده است. کرونا هم چیزی است در کنار سایر چیزها. اشکالی ندارد که می‌کشد، اشکالی ندارد که واکسناسیون هنوز انجام‌نشده به انتها می‌رسد و راه می‌شود و اشکالی ندارد حتی اگر خیلی‌ها ماسک نمی‌زنند، رعایت نمی‌کنند و اصلا هم مهم نیست اگر این بی‌ملاحظه‌گری‌ها همه را دارد نابود می‌کند. تصاویر جلسات انتخاباتی که انبوه مردم را بدون ماسک و بدون رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی نشان می‌دهد، دلالت بر میزان اهمیت همین مردم برای نامزدهای انتخاباتی دارد؛ نامزدهایی که باید اصلی‌ترین اولویت‌شان حفظ جان مردم باشد. بله، همه چیز عادی شده و فقط این تن خسته‌کادر درمان است که باید روزبه‌روز له‌تر شود و ذرده از بیس برود. آن هم دیگر عادی شده و اشکالی ندارد. وقتی داشتیم به انبوه این مثال‌ها در دوره‌ای که کرونا نفسم را گرفته و باید هر روز با بیماران مختلف دست‌وپنجه نرم کنم، فکر می‌کردم، یادم آمد که خیلی چیزها در مملکت ما عادی شده و برای هیچ‌کس هم اهمیتی ندارد. فقط کافی است به آمار تضادفات رانندگی نگاه کنیم. هر ساله تعداد زیادی در تضادفات آسیب می‌بینند یا فوت می‌کنند. اما هیچ چیز تغییر نمی‌کند. خودروهای بی‌کیفیت همین‌طور تولید می‌شوند بدون آنکه جان مردم مهم باشد. می‌توانید در یک چهارراه بمانید و مشاهده کنید انبوه موتورسواران را که هر طور که دوست دارند در خیابان‌ها می‌تازند و اتکار نه اتکار که دارند خلاف می‌کنند. اینکه موتورسواری چراغ قرمز را رد کند، در پیاده‌رو برود و مسیر خیابان را خلاف بیاید، مدت‌هاست حتی برای پلیس هم عادی شده است. انسان به عادت زنده است، اما این عادت دیگر سوهان روح شده و دارد ما را زنده‌زنده از درون می‌چود و می‌خورد. این عادت خود به یک بیماری بزرگ، مسری و ناتوان‌کننده بدل شده است. عادت‌ی که هیچ معنایی در پس آن وجود نداشته و فقط سبب می‌شود که صبحی را به شب برسانیم و بعد روزی دیگر با تکراری از عادت‌های دیگر را شروع کنیم. اینها همه دغدغه‌های طبیعیانه است و همین نگاه طبییح‌محور سبب می‌شود که به هر سختی این هم که شده تن به این عادت‌ها ندهیم. جایی این بی‌تفاوتی‌ها و این عادت‌های شکننده باید از بین برود. شاید بخش عمده‌ای از این عادت‌ها ناشی از عملکرد بد حاکمان ما باشد. می‌توان رد این سیاست‌های اشتباه را در جای‌جای آنچه گفته شد، دید اما باید توجه داشت‌که این سیاست‌های اشتباه از دل فرهنگی نادرست برمی‌خیزد. فرهنگی که به‌شدت بیمار است و به درمان نیاز دارد؛ درمانی که گرچه بسیار سخت می‌نماید. زمان زیادی را به این فکر گذرانده‌ام که چه باید کرد و چه می‌توان کرد؟ از دست کسی چون من که هیچ‌گونه قدرت اجرائی ندارد، چه برمی‌آید؟ شاید پاسخ در دل همین کارهای کوچک باشد. کارهایی که هرکس در موقعیتی که قرار دارد باید انجام دهد و اتفاقا باید در هرچه بهتر انجام‌دادن آن بکوشد. اگر من یک طبیبم باید طبایتم را بهتر کنم. باید بیمارانم را درک کنم. باید به دردها و ننج‌های‌شان گوش فرا دهم. بی‌شک این‌گونه می‌توان به بهترکردن حال گروهی از این جامعه کمک کرد. اگر من یک معلمم و اگر کار من درس‌دادن است، باید خیلی بهتر از اینها در کار آموزش بکوشم. باید تمام هم و غمم دانشگاهیانم باشند. باید بکوشم تا دانشجویی من از دانشگاهی که اگر چنین نباشد من به‌عنوان یک معلم قافیه را باخته‌ام. این‌گونه است که آرام‌آرام فرهنگی بیمار می‌تواند التیام یابد و بهتر و سالم‌تر شود. از دل فرهنگ سالم سیاست‌های سالم نیز برمی‌خیزد؛ سیاست‌هایی که ما را به چنین روزگاری که در حال سپری‌کردنش هستیم، دچار نکند.

فیس‌بوک خود درباره کشته‌شدن آقای سادات نوشته و او را از فعالان مدنی و عدالت‌خواهی توصیف کرده است. صحرا کریمی، رئیس اداره «افغان فلم» درباره فاطمه و طیبه به بی‌بی‌سی گفت که این دو کارمند تازه در این اداره استخدام شده بودند و در بخش‌های انیمیشن و طراحی چهره کار می‌کردند. آنها عصر دیروز به وزارت اطلاعات فرهنگ رفتند ولی در مسیر خانه مین جاسازی‌شده در خودروی آنها منفجر شد و در نتیجه هر دو کشته شدند. خانم کریمی در صفحه تویتز خود نیز نوشته که آنان «جوان بودند و پر از امید به زندگی و روی پروژه انیمیشن افسانه‌های افغانستان برای کودکان کار می‌کردند».

انتخاب تو سازنده است